

داستان حی بن یقظان اثر ابن طفیل اندلسی و خوانندگان قرن هجده انگلیس*

نوال محمدحسن

ترجمه: عبدالرضا شکری

ابن طفیل، فیلسوف و طبیب عرب، در قرن ششم در اندلس زندگی می‌کرد و نام او با نگارش داستان بلندی جاودان شد که آن را برای پاسخگویی به پرسشهای فلسفی فردی نوشته بود. ابن طفیل در این اثر، اندیشه‌های فلسفی، تربیتی، علمی و پزشکی خود را در قالب داستانی گیرا ارائه کرد، آنگاه سرنوشت چنان رقم خورد که آن داستان پس از ترجمه به زبان انگلیسی، در قرنهای هفده و هجده، در انگلستان شهرت یافت. این اثر در آن دوران از پرآوازه‌ترین آثار شرقی با مایه‌های فلسفی به شمار می‌رفت تا جایی که بعدها بسیاری از نویسندگان انگلیس، داستانهایی به تقلید از آن نوشتند. این نوشتار به ارائه نمونه‌ای از نقش فرهنگ اسلامی در تمدن غرب می‌پردازد.

* نوال محمد حسن، «حی بن یقظان لابن طفیل الاندلسی والقاری الانکلیزی فی مطلع القرن الثامن عشر»، افاق عربیه، سال ۴، ش ۱۲ (۱۹۷۹)، ص ۴۴-۵۱.

انگلستان و داستان‌سرایی شرقی

تأثیرپذیری انگلستان از مشرق زمین تا اواخر قرن هجده به طور غیرمستقیم بود، و آن کشور و دیگر سرزمینهای اروپای شمالی برای آشنایی با میراث شرقی به اسپانیا، ایتالیا و فرانسه و امواج دیگر ناقل تمدن مشرق زمین متکی بودند. پندارهایی که قرن‌ها بر اذهان، سایه افکنده بود، انتقال این موجها را یکسره از راه جنگهای صلیبی قلمداد می‌کرد ولی پژوهشهای تاریخی نوین به این پندارها با می‌نگرد دودلی زیرا طبیعت جنگی در مناسبات بین شرق و غرب، از تأثیرپذیری از شرق می‌کاهد^۱، لذا برخی از مورخان مدعی اند که عامل مهم در انتقال افکار و علوم مسلمانان به غرب، وجود مسلمانان در اندلس و جزیرهٔ سیسیل بود که در آنجا توانستند چنان تمدن درخشانی بیافرینند که به مدت هفت قرن ادامه یابد.^۲ فاصلهٔ زیاد انگلستان به آن سرزمینها مانع این نشد که گروهی عزم سفر به مراکز علمی مسلمانان نکنند و از سرچشمه‌های دانش و دانشگاههای عربی - اسلامی آن سرزمینها کسب فیض نبرند.^۳ از هنگام پادشاهی ملکه الیزابت اول در قرن شانزده میلادی، به سبب تحول در مناسبات بازرگانی شرق و غرب، پیوندهای میان آنها، مستحکمتر شد ولی توجه واقعی به زبان و ادبیات عرب تا قرن هفده، هنوز آغاز نشده بود. تنها در آن قرن بود که توجه گروهی از پژوهشگران به این گونه موضوعات معطوف شد؛ برای مثال، ویلیام بدویل^۴ (۱۵۶۲-۱۶۳۲) معروف به پدر تحقیقات عربی، ضمن تأکید بر یادگیری زبان عربی، آن را تنها زبان دینی، سیاسی و بازرگانی^۵ معرفی

1. Bernard Lewis, *British contribution to Arabic studies*, (London 1941), p.9; Ernest Barker, "The crusades" in *The legacy of islam* ed. Thomas Arnold and Alfred Guillaume (London 1931) p.p. 40-77.

2. Montgomery Watt, "The Influence of Islam on Medieval Europe, *Islamic survey*, no.9 (Edinburgh 1972), pp. 3-4. 3. Lewis, op. cit, p.9. 4. William Bedwill

5. A.J. Arberry, *Oriental Essay: portraits seven scholars*, London, 1960, p.13.

می‌کرد افزون بر این، تدریس زبان عربی در دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج آغاز شده بود و عربی‌دان مشهور ادوارد پوکوک^۱ (۱۶۰۴-۱۶۹۱) برای نخستین بار کرسی استادی زبان عربی را در آکسفورد احراز نمود.^۲ خاورشناسان قرن هجده نیز آنچه را که اسلافشان در قرن هفده آغاز کرده بودند، ادامه دادند و خصوصاً سایمون اُکلی^۳ (۱۶۷۸-۱۷۲۰) شاگرد پوکوک که سهم سزاواری در رساندن دستاوردهای خاورشناسان به خوانندگان داشت. اُکلی در راه تحول و دگرگونی تدریس زبان عربی، فعالانه تلاش می‌کرد و همواره بر اهمیت فوق‌العاده این زبان در قرائت و فهم قرآن، که به بیان وی «بخش بزرگی از کره زمین را فرا گرفته است»،^۴ گوشزد می‌کرد. قرآن کریم، در آن دوران برای بسیاری از مردم غرب که اسلام را «دین دروغین» و دین «خشونت و شمشیر» و «غرق در شهوت و کامجویی»^۵ می‌پنداشتند، هنوز ناشناخته بود. اما خواننده انگلیسی چگونه می‌توانست مفاهیم قرآن را بفهمد حال آنکه در آن هنگام تنها ترجمه موجود از آن کتاب آسمانی، ترجمه الکساندر راس^۶ در ۱۶۴۹ بود تحت عنوان «قرآن محمد برای جلب رضایت خواستاران آگاهی از ترهات ترکها». چون راس زبان عربی را خوب نمی‌دانست، به ترجمه فرانسوی اندریه دودایرز متکی بود.^۷ بدین علت، اُکلی در آن شرایط کوشید تا در کتاب تاریخ مسلمانان، برای نخستین بار گزارش مفصلی درباره دستاوردهای تمدن اسلام به صورتی ساده و قابل فهم، ارائه دهد.^۸ ظاهراً تمایل مصرانه وی در معرفی این میراث گرانقدر اسلام به خوانندگان، او را به ترجمه «حی بن یقظان» ابن طفیل به انگلیسی واداشت. ولی نویسندگان انگلیسی برای آشنایی با مشرق زمین در زمینه‌های کاملاً عامیانه، به منابع درجه دوم، یعنی مطالعه ماجراهای جهانگردان و ترجمه کتابهای داستان شرقی به زبان فرانسه، بسنده می‌کردند. این داستانها

1. Edward Pocock 2. Lewis, op. cit, p.13. 3. Simon Ockley

4. Arberry, op. cit, p.14. 5. Watt, op. cit, pp. 72-77. 6. Alexandre Ross

7. Arbery, op. cit, p.14. 8. Lewis, op. cit, p.17.

از اینکه بر نگرشها و اندیشه‌های برخی از نویسندگان و شاعران انگلیسی اثر گذارده و آنان را به نوشتن به شیوه شرقیان واداشت، بسیار مؤثر بوده است. لذا می‌بینیم که بازار کتاب در آن هنگام از داستانهای ترجمه شده شرقی و داستانهای ساختگی به یک اندازه مملو بود^۱ و علت علاقه خوانندگان به آن داستانها چنانکه گیب^۲ اظهار می‌دارد غالباً این بود که ادبیات داستانی تا آن زمان کاملاً و آنطور که برخی آرزو داشتند شایع نبود، زیرا همواره از بالا بر ایشان تحمیل می‌شد، حال آنکه روح ادبیات مشرق در درجه نخست به ادبیات عامیانه انگلیسی و در مرتبت دوم به دل‌های خوانندگان راه یافته بود و خوانندگان را که تعدادشان اندک اندک افزایش می‌یافت، واداشت تا خواستار شیوه‌های ادبی عامیانه‌تری باشند^۳ و به رغم شمار فزاینده داستانهای شرقی، می‌توان آنها را مطابق آنچه مارتا کنانت در کتاب *داستانسرای شرقی در انگلستان در قرن هجدهم* عنوان کرده است، به چهار گروه تقسیم کرد. این بخشها عبارتند از: داستانهای تخیلی، اخلاقی- تربیتی، انتقادی، و فلسفی.^۴ داستان هزار و یک شب، از معروفترین داستانهای تخیلی است که در دهه نخست قرن هجدهم، از ترجمه فرانسوی انتوان گالانت به انگلیسی برگردانده و با استقبال بینظیری روبرو شد ولی داستانهای تخیلی به استثنای داستان مزبور رفته رفته جایگاه مشخص خود را از دست می‌داد تا صحنه را برای گونه‌های دیگری خالی کند. در اینجا باید اشاره کرد که قرن ۱۸، عموماً، دوره رواج بند و اندرز بود و بیشتر به اخلاق پسندیده و گرایشهای عقلی و علمی و فلسفی توجه می‌شد. از جمله داستانهای انتقادی و هجو، داستان تخیلی

۱. منظور از داستانهای ساختگی داستانهایی است که نویسندگان انگلیسی به تقلید از داستانهای شرقی نوشته‌اند.

2. H.A. Gibb, "Literature" in *Legacy of Islam*, p. 182. 3. *ibid.*

4. Martha Conant, *The Oriental Tale in England in the Eighteenth century*, New York 1908.

شهروند جهان^۱ نوشته گلداسمیت و نیز برداشت انگلیسی از ترجمه فرانسوی مارانا از نامه‌های به اصطلاح جاسوس ترک بود؛ سلسله نامه‌هایی که، برخی مدعی‌اند یک جاسوس خیالی ترک در اروپا پنهان کرده بود، نوشته شده است، و جاسوس مزبور در این نامه‌ها به ملاحظات و انتقاداتی از جامعه اروپایی و سیاستهای آن پرداخته است. از خواننده پوشیده نیست که این شیوه داستان پردازی، بهترین دستاویز برای نویسنده‌ای است که بخواهد بی‌هراس از آزار و اذیتی که ممکن است متوجه وی شود، از جامعه خویش انتقاد کند^۲ و نیز لازم بود که داستانهای شرقی دربردارنده پند و موعظه و یا مبانی اخلاقی باشد و گرنه سرنوشت اینگونه آثار، غفلت و بی‌اعتنایی بود. از جمله داستانهای تهذیبی آن دوره، قصه‌های کوتاه منتشر شده در ماهنامه‌های استایل، ادیسون، اسپکتور و تاتلر بود. منتها داستانهای فلسفی، گرچه در آن عصر انگشت شمار بودند، ولی چیرگی و جذابیت خاصی داشتند، و از لحاظ ارزش ادبی توانستند بر داستانهای اخلاقی فایق آیند، زیرا افکار فلسفی مطرح شده در آنها اغلب کلی و جامع بودند و در چارچوب فلسفه، قابل تأمل و مغایر با روش تعلیمی مستقیم، که از ویژگیهای داستانهای اخلاقی است، قرار داشتند.^۳ در اینجا به ویژگیهای تنها داستان فلسفی آن زمان حی بن یقظان می‌پردازیم که ترجمه دست اول، مستقیم و یگانه اثر عربی در میان انبوهی از داستانهای فلسفی و ساختگی شرقی، چون رویای مرزا نوشته ادیسون و راسیلاس نوشته ساموئل جانسون بود و خوانندگان انگلیسی برای نخستین بار می‌توانستند طعم و مزه شرقی این نوع داستانها را از سرچشمه اصلی آن احساس کنند.

ترجمه‌های انگلیسی از حی بن یقظان

اهتمام خواننده اروپایی به کتاب این طفیل در واقع به قرن چهارده باز می‌گردد، زمانی که کتاب به زبان عبری ترجمه و از شرح موسی تریبونی در

1. *Citizen of the World* 2. *ibid*, p. 158. 3. Conant, *op. cit.*, p. 118.

۱۳۴۹م^۱ برخوردار شد. و در نیمهٔ دوم قرن پانزده، این کتاب به درخواست پیکو دیلامیراندولا^۲ (۱۴۶۳-۱۴۹۴م)، از زبان عبری به لاتین برگردانده شد^۳ و در ۱۶۷۱م نسخه عربی آن که از نظر داستانی و ترجمه لاتین بررسی و تحقیق شده بود، در انگلستان پدیدار شد، و این کار به همت عربی شناس قرن هفده، ادوارد پوکوک که پنج سال در حلب اقامت کرده و توانسته بود مجموعهٔ جالبی از کتب خطی عربی از جمله دستنوشتهٔ حی بن یقظان^۴ را به دست آورد، انجام گرفت.

داستان به وسیلهٔ ادوارد پوکوک (پسر) (۱۶۴۸-۱۷۲۷م) به لاتین ترجمه، و پوکوک پدر، مقدمه‌ای زیر عنوان فیلسوف خودآموز^۵ بر آن نوشت. این ترجمه، به رغم ادعای انتونیو پاستور که گفته است در برخی از بخشهای آن حالت پریشانی و سردرگمی دیده می‌شود و نیاز به زیبانویسی و سلاست دارد، موفقیت‌آمیز بوده است.^۶ ولی بهر حال با وجود دشواریهای زیادی که دامنگیر مترجم جوان شد،^۷ این اثر یکی از دستاوردهای بزرگ آن دوره به شمار می‌رفته است. کتاب از سوی عده‌ای که انجمنی به نام فرزندان نور،^۸ تشکیل داده بودند و نیز از طرف انجمن دوستان یا کوآکرز،^۹ تحسین

1. Encyclopaedia of Islam, s.v. "Ibn Tufail", (by Carra de Vaux).

2. Pico della Mirandola

3. Cassell's Encyclopaedia of Literature, s.v. "Pico della Mirandola" (by P. Traves).

4. Lewis, op. cit, p. 13.

5. Antonio Pastor, *The Idea of Robinson Crusoe*, Watford, 1930, p. 186.

6. Arberry, p.21. 7. Pastor, op. cit, p. 177. 8. Children of Light

۹. انجمن دوستان را جورج فوکس (۱۶۲۴-۱۶۹۰) در ۱۶۴۷ تأسیس نمود. این انجمن، که در نتیجهٔ یک جنبش دینی مهلم از مکتب پروتستان به وجود آمد، معتقد است که نور درونی (Innerlight) یا خدایی که در دل‌های مردم جای دارد، کافی است. نور درونی در نزد این گروه، نخستین مرجع دینی به شمار می‌رود و کتاب مقدس در درجه دوم قرار دارد. از جمله اعضای این انجمن، می‌توان از عالم روحانی، روبرت بارکلی (۱۶۴۸-۱۶۹۰) نام برد. نگاه کنید به:

The new Encyclopaedia Britannica, s.v. "Friends, society of", (by Richard T. Vann); B.H. Siddiqi, "From Hayy Bin Yaqzan to the Children of Light", *Pakistan Philosophical Journal*, (1963) pp. 57-70.

شد، لذا یکی از اعضای این انجمنها به نام جورج کیت (۱۶۳۸-۱۷۱۶) به انگیزه ارائه کتابی که مفاهیم انجمن کوآکری، بویژه نور درونی و تجربه روحانی ذاتی را متجلی سازد، اقدام به ترجمه کتاب از لاتین به انگلیسی کرد و کتاب در ۱۶۷۴، با یک عنوان طولانی منتشر شد: «وصف فلسفه شرقی و حکمت برخی از مشاهیر مشرق زمین بویژه شناخت حی بن یقظان که دارای افکاری عمیق و وسیع در مسائل طبیعی و دینی بوده و بی آنکه با انسانی برخورد کند (هنگامیکه از کودکی به حال انزوا و دور از مردم در جزیره‌ای زندگی می‌کرد)، به چنان مرتبتی از کمالات رسید». داستان را ابو جعفرین طفیل تألیف کرده و یکی از دانشجویان دانشگاه آکسفورد به نام ادوارد پوکوک آن را از عربی به لاتین درآورده و هم‌اینک برای خدمت به عموم مردم به صورتی مطمئن از لاتین به انگلیسی ترجمه شده است.^۱

کیت، در مقدمه کتاب، علت ترجمه آن را چنین بیان داشته است که در کتاب حی بن یقظان با مسائل سودمند و غیر منافی با اصول مسیحیت روبرو شده و دریافته است که نویسنده مسلمان این نکته را با زبردستی تمام شرح داده است که چگونه بینش انسانی که چشمان‌اش به لحاظ روحی گشوده شده با بینشی که تنها از طریق حس شنوایی و خواندن به دست می‌آید، تفاوت دارد. برای اینکه خواننده منظور مترجم را بد تعبیر نکند، کیت به او هشدار می‌دهد که تمام مطالب این کتاب را نباید جدی گرفت، بلکه آنچه را که سودمند و معقول می‌یابد بگیرد و دیگر چیزها را واگذارد. او سپس به دفاع از کتاب و نویسنده مسلمان آن در مقابل خوانندگان مسیحی پرداخته است و می‌گوید: هرگاه برای روشن شدن مؤلف یا شخصیتی که در داستان معرفی می‌شود، انسانی نیکوتر و برتر از بسیاری از کسانی است که خود را مسیحی می‌دانند - کسانی که فرصت مراجعه و بهره‌گیری از کتابهای مقدس مذهبی و دیگر وسائل را برای آموختن و از او بهتر شدن را، از دست

1. Pastor, op. cit.

داده‌اند - تعجب مکن.^۱

روبرت بارکلی یکی از طرفداران جنبش کوآکری که از این ترجمه کیت بهره‌مند شده بود، آن اثر را دلیل روشنی بر وجود نور درونی می‌دانست. او در کتاب مشهور خود دفاع از لاهوت مسیحی، اعلام می‌دارد که کتاب ترجمه شده‌ای از زبان عربی در دست است که داستان مردی به نام حی بن یقظان را بازگو می‌کند. این مرد بی‌آنکه انسانی را دیده باشد، در جزیره دورافتاده‌ای زندگی کرده و نسبت به شناخت خداوند به چنان مرتبتی می‌رسد که گویی مستقیماً با او صحبت کرده است. وی تأکید می‌کند که بهترین و بیشترین شناخت خدا و پایداری در آن، شناختی است که از راه همسویی و هماهنگی خرد بشری با «عقل مایشاء»، به دست می‌آید نه آن گونه که از طریق فرضیه‌ها یا استنتاجها حاصل می‌شود. البته پس از اینکه عقل از تباهی زدوده شود و از تمامی مظاهر جسم فاصله گیرد، زیرا رشد این شناخت جز در آرامشی عمیق امکان پذیر نیست.^۲ اثر ابن طفیل توانست شخص بیباک دیگری بنام جورج آشویل^۳ (۱۶۱۲-۱۶۹۵) کشیش کلیسای کاتولیک را به خود جلب کند. آشویل این کتاب را سنگر مستحکمی بر درستی فرضیه‌ای یافت که می‌گوید: طبیعت توانایی این را دارد که انسان را به شناخت خدا رهنمون کند لذا با تکیه بر ترجمه لاتین پوکوک، این اثر را در ۱۶۸۶ م زیر این عنوان ترجمه کرد: «تاریخ زندگی حی بن یقظان، شاهزاده هندی، یا فیلسوف خودآموز، به زبان عربی، نوشته ابو جعفر بن طفیل، مسلمانی که به فلسفه اشتغال دارد. مؤلف در این کتاب اشاره به مراتب و درجاتی می‌کند که خرد پس از توجه و تجزیه دقیق، نخست می‌تواند به شناخت مسائل طبیعی دست یابد و آنگاه به کشف مفاهیم ماوراءالطبیعی

1. Madani Salih, "Ibn Tufail: His place in Islamic and Western Thought" *ph.D. Dissertation*, 1964, pp. 312-314.

2. Robert Barclay, *Apology for the true Christian Divinity*, London 1678, p. 134.

3. George Ashwell

جهان دیگر برسد». آشویل در مقدمه کتاب خود، همانند کیت، انگیزه اصلی ترجمه این کتاب را بیان می‌دارد. هدف آشویل این بود که نسل تبه‌کار و بد اخلاق را از نظر اصول یا کردار، توجیه و راهنمایی کند. او در این زمینه تأکید می‌کند که «فیلسوف خودآموز» توان این را داشته است که درسی در اصول دین و اخلاق، به نسل معاصر خود بدهد، اصولی که تنها از راه نور طبیعت برای فیلسوف ما هویدا بود.^۱ آشویل همچنین اعلام می‌دارد که آشکارا و در حد توان کوشیده است آن را در نظر خواننده، لذتبخش و سودمند جلوه دهد. او برای تحقق این امر، مقدمه ابن طفیل را که در آن، انگیزه نوشتن کتاب را بیان داشته، بحثی درباره فیلسوفان هم‌زمان خود نموده، تولد ذاتی حی را (بدون پدر و مادر) منعکس کرده و بخشهایی را هم به اعتدال آب و هوا در نواحی خط استوا اختصاص داده است، از ترجمه خود حذف کرد، زیرا به نظر وی، این بخشها پیوند نزدیکی با داستان نداشته است.^۲ در ۱۶۹۶، ترجمه‌ای کوتاه به زبان انگلیسی از کتاب ابن طفیل در دوازده صفحه زیر عنوان تاریخ زندگی جوزفوس،^۳ شاهزاده هندی، از مترجمی گمنام انتشار یافت که ضمیمه کتاب روبرت گرین شد. در این ترجمه، داستان خلاصه، و بیشتر مسائل فلسفی آن حذف شده و کتاب به صورت یک قصه کوتاه سرگرم‌کننده، درآمده است. اما در دهه نخست از قرن هجده، ترجمه دیگری به وسیله اُکلی عربی‌دان انگلیسی، به عمل آمد با اینکه وی می‌دانست این کتاب پیش از این دوبار به زبان انگلیسی ترجمه شده است. ولی اُکلی در مقدمه ترجمه خود، خوانندگان را از این حقیقت آگاه می‌سازد که ترجمه کتاب برای بار سوم خطری بوده که به جان خریده است زیرا اطمینان داشته است که اولاً کیت و آشویل مقصود مؤلف (ابن طفیل) را درست درک نکرده‌اند چون مستقیماً به اصل عربی آن تکیه ننموده بلکه به ترجمه لاتین کتاب اعتماد کرده بودند. انگیزه دوم او در

1. Ashwell, "Epistle Dedicatory" p. not numbered. 2. ibid. 3. Josephus

ترجمه داستان، خدمت به دوستانی است که فرصت مطالعه کتاب را نداشته‌اند، با این امید که موضع مثبت تری نسبت به آشنایی با ادبیات عرب پیدا کنند.^۱ لذا اُکلی در ۱۷۰۸ ترجمه کتاب را از عربی به انگلیسی آغاز کرد و تحت این عنوان پرداخت: «آراستن عقل بشری چنانکه در زندگی حی بن یقظان نمایان است، پانصد سال پیش توسط ابو جعفر بن طفیل به زبان عربی نوشته شد. او در این اثر توضیح می‌دهد که چگونه یک انسان می‌تواند به تنهایی و به وسیله نور طبیعت، به شناخت مسائل طبیعی و ماوراء طبیعی بفرنج و بویژه معرفت خدا و مفاهیم جهان دیگر نایل آید». بعداً ضمیمه‌ای به این ترجمه اضافه شد که مسائلی درباره رسیدن انسان به شناخت واقعی خداوند و مبانی ضروری رستگاری را بدون اینکه راهنما و فرستاده‌ای در کار باشد، بررسی می‌کرد. سپس مقدمه دیگری به قلم ناشر ادوارد پاول به آن ترجمه افزوده شد. در این مقدمه، علت ترجمه کتاب، تمایل مترجم به معرفی شمه‌ای «از هوشیاری و نبوغ فیلسوفان عرب» به خواننده انگلیسی بیان شده است، وی می‌افزاید: «چنانچه هر اروپایی میان آن کتاب و کتابهای دیگر آن دوره از نظر شناختی که آن ارائه می‌دهد، مقایسه به عمل آورد، ناگزیر به آن کتاب بهای بیشتری می‌دهد». تا اینجا چنین برمی‌آید که گویا ناشر کتاب را پسندیده است ولی در عین حال اضافه می‌کند که خالی از برخی «افکار غلوآمیز» نیست، بویژه در جایی که مؤلف درباره «حلول و یگانه شدن با خدا» سخن می‌راند. و ناشر مژده می‌دهد که در ضمیمه کتاب خود، این اندیشه‌های افراطی را تخطئه کرده است.^۲ در حقیقت اُکلی تهمتی را متوجه ابن طفیل می‌سازد که در مقدمه کتاب، مایل بوده وی را از آن تهمت، یعنی ترویج «افکار مبالغه‌آمیز» تبرئه کند. اُکلی در مقدمه ترجمه، نظر مسلم خود را مبنی بر اینکه مترجمان پیشین مطمئناً از درک هدف و منظور

1. Ockley, perface, p. not numbered.

2. "The bookseller to the Reader", p. not numbered.

مؤلف غافل مانده‌اند، چنین بیان می‌کند: «آنها می‌پنداشتند چیزهایی در کتاب است که مؤید اندیشه‌های غلوآمیز آنان است». افزون بر این، ابن طفیل در مقدمه اُکلی، مردی با «قدرت و دانش بسیار» است و هدف او بیان این مطلب بوده است که «چگونه نیروی بشری، چنانچه درست به کار گرفته شود، بدون هیچگونه کمک خارجی می‌تواند بر شناخت امور طبیعی دست یابد و بتدریج وابستگی خود را به موجودی والا و روح جاودان و دیگر مبانی ضروری رستگاری، کشف کند».^۱ ولی اُکلی در بخش ضمیمه کتاب، جمله خود را با آگاه کردن خواننده به این امر که «در فلسفه ابن طفیل و عقاید مذهبی او لغزشهای فراوانی دیده می‌شود»، آغاز می‌کند، اما بیدرنگ توضیح می‌دهد که «غیر از این هم ممکن نبود، زیرا وی ارسطویی مکتب و محمدی مذهب است».^۲ سپس ادامه می‌دهد: همانطوری که تقوای واقعی و ادراک درست و حکمت‌آمیز، همواره و در هر عصر و مکان یکی است، غلو کردن نیز چنین است. گهگاهی که در باره انحرافات و غرور غلوکنندگان عرب مطلبی می‌خوانم، از شباهت بین آنان و افراط‌گرایان امروز ما، شگفت زده می‌شوم. این اتفاق نظر کامل در اندیشه‌ها و مبانی افراط‌گرایانه دو گروه که با یک زبان اظهار شده است، می‌تواند هر شخصی را متقاعد سازد که تارهای ساز هر دو دسته با یک دست محکم و نواخته شده است.^۳ بعلاوه، خواننده در وهله نخست تناقض آشکاری بین مقدمه و ضمیمه اُکلی مشاهده می‌کند ولی چنانچه نکات زیر را در مدنظر قرار دهد، توجیه آن تناقضات دشوار نخواهد بود. قبلاً اشاره شد که در قرن ۱۸ نسبت به ادعاهای غلوکنندگان با دودلی نگریسته می‌شد ولی چون ناشر میل داشته است که برای کتاب خویش تبلیغ نماید، لذا طبیعتاً غیر محتملترین چیزی که میل نداشت به آن متهم شود، ترویج اندیشه‌های غلوآمیز بود ولی اُکلی همانند کیت و آشویل مجذوب افکار ابن طفیل و بویژه بخشی که به نور طبیعت بر می‌گردد، شده

1. Ockley, op. cit. 2. Ockley, op. cit, p. 168. 3. ibid, pp. 192-193.

بود چنانکه در مقدمه اثرش هم دیده می‌شود، اینکه وی آرزو داشته است دوستانش کتاب را بخوانند، دلیل بر این است که خود او از کتاب راضی بوده است. اما اُکلی تا آن حد شجاع نبوده است که اینچنین اندیشه‌های متهورانه و بی‌پرده را به خود نسبت دهد، زیرا چنانکه آربری^۱ استنتاج می‌کند، درآمد اندک و خانواده بزرگ، شخص عاقله‌مند را به اندیشه‌های مخالف اصول سنتی وابسته به کلیسا تشویق نمی‌کنند. و دانشگاه‌های آن دوران اجازه تشویق اندیشه‌های نوین را به استادان خود نمی‌دادند.^۲ به این ترتیب، خواننده انگلیسی در آغاز سده هجده، می‌توانست کتاب ابن طفیل را با چهار ترجمه بخواند، در نخستین ترجمه، هدف کیت، بیان این نکته بود که کتاب، نمونه‌ای از اندیشه‌های کوآکری، چون «نور درونی» است. لهذا یک ترجمه مورد اعتماد از ترجمه لاتینی پوکوک را ارائه داد. اما آشویل، در ترجمه خود تصرف کرده آن را به زبان ساده‌تری نوشته است؛ زیرا هدف اصلی وی سرگرمی خوانندگان بود، حال آنکه مترجم گمنام کتاب، آن را به صورت داستانی کوتاه و جالب درآورده است، اما در ترجمه چهارم، اُکلی درصدد این بود که به قدر امکان، ترجمه مرتب، نیکو و دقیقی از اصل عربی ارائه دهد که بهترین گواه و معرف شناخت و توانایی مسلمانان باشد. هریک از مترجمان توانستند تا حد امکان به هدفهای خویش جامه عمل بپوشانند. هم‌اینک برای نمونه، قسمتی را که به چگونگی کشف آتش و پخت و پز توسط حی بن یقظان پرداخته، با چهار ترجمه گوناگون و اختلاف مقاصد مترجمان، برمی‌گزینیم: و از جمله چیزهایی که به عنوان هیزم به طور آزمایش به آتش افکند، بخشهایی از لاشه حیواناتی بود که دریا به ساحل افکنده بود، پس چون آتش، آن تکه‌های گوشت را بریان کرد و بوی آن برخاست، میل او را به خوردن تحریک کرد، پس مقداری از آن را خورد و خوش داشت لذا به

1. Arberry, op. cit, p. 22. 2. ibid.

خوردن گوشت خو گرفت.^۱

کیت آن را به صورت زیر ترجمه کرده است:

Among other things which he did cast into it, for the trying of its strength, there were some of these Animals which live the Sea, which the Sea had cast upon the shore, which being roasted with the fire, and the smell of them rising up, his appetite was stirred up, so that he tasted some what of them; which when it was acceptable to him, he accustomed himself to the eating of flesh.

از میان دیگر چیزهایی که او به داخل آن (آتش) انداخت، برای آزمودن قدرت اش، مقداری از جانورانی بود که در دریا زندگی می‌کنند و آب آنها را به ساحل رانده بود و وقتی آنها با آتش بریان شدند و بوی آنها بلند شد، اشتهای اش تحریک شد تا اینکه او مقداری از آنها را مزه کرد، هنگامی که این امر برای او قابل قبول شد او خود را به خوردن گوشت عادت داد.

چنانکه ملاحظه می‌کنیم ترجمه کیت در این مورد به یک سلسله نامرتب از جمله‌های موصول و دنبال هم مبدل شده است زیرا تلاش مترجم، جلوه دادن داستان نبوده است بلکه افکاری بود که داستان دربر داشت و برای وی الهام بخش بود. اما آشویل کوشید تا آنرا جذابیت بیشتری ببخشد:

And among other experiments wherewith he made trial and its strength, he put thereinto certain fishes which the Sea had cast upon the shore; which being fried, and the steam thereof coming to his nose, his appetite was stirred up and became

۱. جمیل صلیبا و کامل عیاد، قصه حی بن یقظان لاین طفیل الاندلسی، دمشق ۱۹۳۵، ص ۴۹.

quickness thereby, insomuch that he ventured to taste some part thereof; which when he found acceptable to his palate and agreeable to his stomach, from thence forward he accustomed himself to eat flesh.

و از میان دیگر تجربه‌هایی که او انجام داد آزمایش قدرت آن (آتش) بود، او ماهیهایی به داخل آن انداخت که دریا آنها را به ساحل رانده بود ماهیها وقتی سرخ می‌شدند بوی آن به مشام او رسید، اشتهای اش تحریک شد و به جنب و جوش افتاد به طوری که او جرئت کرد مقداری از آن را بچشد. هنگامی که آن را مورد قبول مذاق خود یافت، از آن به بعد خود را به خوردن گوشت عادت داد.

Among other things which he put in to try its strength, he once flung in some fish which had been thrown ashore by the water, and as soon as he smelt the steam, it Raised his appetite, so that he had a mind to taste of them; which he did, and found them very agreeable, and from that time he began to use himself to the eating of flesh.

از میان دیگر چیزهایی که او به داخل آن (آتش) انداخت تا قدرت اش را بیازماید، ناگهان مقداری ماهی در آن انداخت که آب آنها را به ساحل پرت کرده بود، به محض آن که بوی آن را شنید اشتهای اش تحریک شد تا اینکه به ذهن اش خطور کرد که آنها را مزه کند که این کار را کرد و آن را بسیار خوشایند یافت و از آن زمان به بعد او شروع کرد خود را به خوردن گوشت عادت دهد.

And among many other experiment, he tried it with fish cast up by the Sea, which being broiled or fried, smelt so well, that

he ventured to eat of it, which finding to be good and agreeable victuals, from thence forwards continued to eat flesh meat.

میان دیگر تجارب بسیار او آن (آتش) را با ماهیهایی که دریا به ساحل رانده بود آزمود، ماهیانی که بریان و سرخ می شدند بوی بسیار خوبی داشتند، که او جرئت کرد از آن بخورد، آنها را خوب و خوشایند یافت، از آن به بعد به خوردن گوشت ادامه داد.

اشاره‌های صریح به کتاب ابن طفیل در ادبیات آن عصر:

پس از ترجمه لاتینی پوکوک و دو ترجمه کیت و آشویل، این اثر توانست گروه بسیاری از خوانندگان را جلب کند و نام کتاب ابن طفیل برای نخستین بار در ۱۶۸۱ بر سر زبانها افتاد. در آن سال، ترجمه انگلیسی یک داستان رمزآمیز اسپانیایی در سه جلد، نوشته بالتازار گراسیان از چاپ بیرون آمد و به ترتیب در سالهای ۱۶۵۰-۱۶۵۳ با نامهای بهار کودکی و پاییز جوانی و زمستان پیری منتشر شد. خلاصه داستان این نویسنده چنین است که اندرینو فرزند طبیعت در غار تاریکی متولد می شود و در آنجا حیوانی وحشی شیر دادن و پرورش او را به عهده می گیرد، تا اینکه اندرینو بزرگ می شود. بناگاه غار در اثر وزش طوفان گشوده می شود و اندرینو برای نخستین بار به جهان خارج راه می یابد و با دیدن دریا و زمین و آسمان و آنچه در آنهاست، می کوشد احساسات خود را بیان کند و مدتی بعد شخصی به نام کریتیلو وارد جزیره می شود و به تعلیم و پرورش اندرینو می پردازد. سپس معلم به همراه شاگرد جزیره را ترک می کنند و با گذشتن از جهانی مرموز به سفر خود ادامه می دهند و در حالیکه با انواع گوناگونی از انسانهای مرموز برخورد می کنند سرانجام به اسپانیا می رسند.

در مقدمه انگلیسی این کتاب پل ریکوت^۱ مترجم آن می گوید: وی معتقد

1. Paul Rycout, *The Spanish critic, "Translator to the Reader"*, p. not numbered.

است که گراسیان احتمالاً داستان تسخیلی خود را در اصل از سرگذشت حی بن یقظان، نوشته ابن طفیل و ترجمه دکتر پوکوک به لاتین، اقتباس کرده است و به رغم وجود اختلاف زیاد در روایت، هدف هر دو مترجم یکی است یعنی، بیان اینکه روح غیرمادی و جاودانه انسان، از نظر امکانات طبیعی و کردارهای انعکاسی خود تا چه اندازه می‌تواند هم در وجود واقعی خود و هم در وجود چیزی که مافوق اوست، بیندیشد و با کمک جلوه‌های بیرونی رفته رفته بتواند به اصولی جهت حفظ منافع خویش و دیگران برسد. احتمال تأثیر کتاب ابن طفیل بر افکار گراسیان امری است که تا به امروز میان مؤیدان و مخالفان مورد اختلاف است.^۱ دلیل دسته مخالف این است که گراسیان نمی‌توانسته کتاب ابن طفیل را خوانده باشد زیرا وی کتاب خود را پیش از اینکه ترجمه لاتین از اصل عربی در سال ۱۶۷۱ برای نخستین بار به وسیله پوکوک در اروپا منتشر شود، نوشته بود، و دلیل گروه موافق، سست و بی پایه است، آنها مدارکی دال بر اینکه وی کتاب را دیده است ارائه نمی‌دهند، ولی سند زیر بر این نکته دلالت دارد که گراسیان احتمالاً این اثر را از ترجمه اسپانیایی دوژوارا اقتباس کرده و دوژوارا نیز آن را از ترجمه عبری نقل کرده است، ازینرو در ۱۷۰۱ در کتابی که حاوی مطالب شگفت‌انگیزی است، گفتگویی بین محمود و اندروگیوبن یقظان نامی منتشر شد.^۲ نویسنده، گفتگویی را که در رؤیا پرداخته است آغاز کرده و می‌گوید که اندروگیوبن یقظان، محمود، جاسوس ترک را که در آغاز مقاله بدو اشاره کردیم، در میان انبوهی از مردم دیده که از نزدیک با شخص بیگانه‌ای سرگرم گفتگوست. آن بیگانه که از نظر شکل و شمایل به کسی شباهت نداشته، می‌پنداشته است بدون پدر و مادر، مستقیماً بر روی زمین زاده شده است و بدین سبب او را

۱. برای اطلاع بیشتر از موارد اختلاف در باره این موضوع، رجوع کنید به: حاشیه ص ۲۳ پایان‌نامه مدنی صالح.

2. "A dialogue between Mahmut and Androgio Ben Jockdon", *Memoirs for the curious*, vol. 1, no. (1701), p. 47.

اندروگیوس (انسان زاده زمین) می نامند. او را در جزیره‌ای عربی پیدا کرده و به اسپانیا آورده‌اند، یعنی به جایی که با نقاد اسپانیایی طرح دوستی ریخته و اکنون نیز دوست آن ترکی است که پنهان شده است.

پس از آن، اندروگیو در صدد دفاع از آزادی اندیشه برآمده، مفتخرانه اعلام می‌دارد که آزاد به دنیا آمده و چنین به نظر می‌رسد که وی تنها انسانی است که سروری در آن شهر ندارد، آنگاه محمود او را به تمسخر گرفته و می‌گوید: «بنابراین، جز این نمی‌پندارم که تو یا یک انگلیسی اصیل هستی و یا یک انگلیسی که آزاده متولد شده‌ای»، همان کسی که ملل دیگر را تحقیر و خوار ساخته است! و در اینجا به شعر هجایی شاعر انگلیسی دانیل دوفو (۱۷۰۱) که در آن هنگام بسیار معروف بود، اشاره می‌کند. اندروگیو در پاسخ وی می‌گوید: «خیر، من در واقع هم اکنون از لحاظ زادگاه، اسپانیایی اصیل هستم و مرا از این هنگام این گونه باید بشناسی، و از موقعی که به وسیله دوزوارا به زبان اسپانیایی درآمدم خود را یک اسپانیایی می‌دانم و گویا ده نسل گذشته را نادیده می‌انگارم و تقریباً اصل خود را در آن جزیره عربی به فراموشی سپرده‌ام! واقعاً که چیز عجیبی است، و نیز پیوندم را با ابن یقظان که در کشف و معرفی من به جهان مدیون او هستم، فراموش کرده‌ام!»^۱

پس از ترجمه کتاب به وسیله اُکلی، جمع کثیری از خوانندگان، شیفته حی بن یقظان شدند و در قرن هجده، کتاب مزبور برای نویسندگان و خوانندگان، اثر معروفی به شمار می‌رفت و لهذا الکساندر پوپ شاعر مشهور انگلیسی از هنگامی که نسخه‌ای از این ترجمه را در کتابخانه خود یافت،^۲ هم در شعر و نثر و هم در نامه‌های خویش به شخصیت «حی» اشاره می‌کرد؛ مثلاً در مقاله پوپ که در ۱۷۱۳ منتشر کرد، بیرحمی و سنگدلی هم‌میهنان خود را نسبت به حیوانات نکوهش و آنها را به ارفاق و ترحم تشویق می‌کند و

1. *ibid*, pp. 48-49.

2. Alexander Pope, *Correspondence*, ed. George Sherburn England 1956, vol.2, p.13, no.3.

آنان را و او می‌دارد تا در این خصوص از «حی» الگو بگیرند. او اظهار می‌دارد که همه می‌دانند که چگونه ترکان از نظر انسانیت با دیگران تفاوت دارند به یاد دارم یک نویسندهٔ عرب، رساله‌ای نوشته و در آن به این مطلب پرداخته است که یک شخص تا چه اندازه قادر است تنها در جزیرهٔ دورافتاده‌ای زندگی کند و بی هیچگونه راهنما و حتی دیدن انسانی دیگر و تنها به واسطه نور طبیعت به شناخت فلسفه و فضیلت دست یابد. ابتدایی‌ترین چیزی که نویسندهٔ عرب ماکوشیده تا آن را ثابت نماید این است که کردار نیک جهان هستی، بر حمایت و حفاظت از موجودات خود، در طبیعت نهفته است و به تقلید از آن سرشت است که گمان می‌رود نخستین کار پسندیدهٔ «فیلسوف خودآموز لزوماً یاری رساندن به تمام حیوانات پیرامون خود جهت برآوردن نیازها و آرام کردن دردهایشان بوده است».^۱ پوپ در نامهٔ دیگری که در سیزده دسامبر ۱۷۱۹ نوشته است اعلام می‌دارد که برای انسان طبیعی و گوشه‌گیر، نمونه‌ای که بتوان از آن بهره برد، بهتر از حی بن یقظان نیافته است. او در نامه‌ای به لرد باترست می‌نویسد: «فکر می‌کنم که تو هم اکنون در جنگل انبوه خودگم شده‌ای! و کسی که ترا مخاطب قرار دهد، شاید با انسان حواس‌پرتی چون الکساندر سلکرک یا فیلسوف خودآموز سخن گفته باشد!... به یاد دارم آن دومی (فیلسوف خودآموز)، زندگی خود را وقف کارهای زهدمآبانه و پرهیزگاری نموده است به این نحو که سرخویش را به تقلید از حرکت اجرام آسمانی، مرتباً با چرخاندن به دور خود، گیج و منگ می‌کند!»^۲ و با اینکه «حی» به خاطر اخلاق و کردار نیک‌اش پوپ را به تعجب واداشته بود ولی باز از زبان تند او در امان نماند، چه در سروده‌ای،^۳ از «حی» چنین انتقاد می‌کند: برو، با افلاطون در آسمان بلند اوج بگیر، بسوی خیر نخست و کامل نخست و عادل نخست، یا دایره شگفت‌انگیزی

1. Alexander Pope, *The Guardian*, no. 61 (21 May 1713).

2. Pope, *Correspondence*, vol. 2, p. 13. 3. *Essay on Man*

را دنبال کن که پیروانش در آن گام نهاده‌اند، عقل را به کنار افکنده، آن را تشبیه به خدا می‌نامند؛ مانند درویشان شرقی که در حلقه‌هایی می‌گردند و سرهای خویش را به تقلید از خورشید حی می‌چرخانند!^۱

واکنش خوانندگان آن عصر

واکنش خوانندگان حی بن یقظان به علت تباین سطح فکری و اندیشه‌هایی که از آن پیروی می‌کردند، گونه‌گون بود، زیرا کتاب، در برخی از بخشهای خود، افکار متهورانه‌ای را ابراز داشته و در برخی دیگر با افکار عمومی نامأنوس بوده است، لذا مترجمان انگلیسی ناچار بودند به برخی از اجزای آن حمله کنند و برخی را حذف کنند و خواننده را به این حقیقت که مؤلف مسلمان کتاب، دانشمند فاضلی بوده است، مطمئن سازند. برای مثال باید گفت که ابن طفیل خطر اندیشه بی‌نیازی از پیامبران را برای خواننده عادی جامعه‌اش درک کرده بود لذا در این مبحث جانب احتیاط را رعایت کرده در پایان کتاب اصرار می‌ورزد که وحی منزل برای عامه مردم امری ضروری است. اما درباره کیت کوآکری، باید گفت که تجربه صوفی‌گری «حی»، او را به ترجمه کتاب واداشت زیرا این اثر به پندار او برهانی بر وجود «نور دورنی»^۲ است، چنانکه آشویل نیز آن را نمونه زنده بر قدرت طبیعت در کشاندن انسان به سوی آفریدگار پذیرفته است. اما اُکلی که اصرار داشت برای معاصران خود مثالی بر زبردستی عربها بزند و در عین حال، آرزوی احراز کرسی استادی زبان عربی را در سر می‌پروراند، ناگزیر بود که بخشی از کتاب را برای خشنودی عامه مردم، انتقاد کند تا از هرگونه نیش زبانی که ممکن بود متوجه وی شود جلوگیری کند و مترجمان می‌بایستی بخش دیگری از کتاب را، به علت تضاد آن با آنچه در کتب آسمانی آمده است، یعنی تولد ذاتی «حی» بدون پدر و مادر، پیش از ارائه به خوانندگان منسوخ

1. Alexander pope, "An Essay on Man", in *The Poems of Alexander Pope*, ed. John Butt London 1965, Epistle 2, lines 23-28. 2. Inner Light

نمایند. کیت نیز بخشی از کتاب را که مؤلف در آن اعلام می‌دارد که با این تفکر که بشریت همگی از آدم برخاسته‌اند، مخالف است، بی‌خردانه خوانده و حذف نمود. اما آشوبل این بخش از داستان را بدین دستاویز حذف کرد که باکل داستان بی‌مناسبت است. اُکلی این بخش از داستان را ترجمه کرد و به خوانندگان ارائه داد ولی ناشر کتاب فراموش نکرد که خوانندگان را به این مطلب مطمئن سازد که ابن طفیل این روایت را قبول نداشته و تنها هدف او دور ساختن «فیلسوف خودآموز» از هرگونه تأثیر خارجی بوده است.^۱ و علت اینکه عرب و مسلمان بودن نویسنده، بهر حال مانع از شهرت داستان در جامعه مسیحی متعصب نشد، در این نکته نهفته است که داستان حی‌بن یقظان این امتیاز را دارد که از اندیشه‌های دشمنانه نسبت به ملت‌های دیگر تهی است، و چنانچه نویسنده به برخی از آیات قرآن کریم استشهاد نمی‌کرد و خواننده هم از دیانت او آگاه نبود، پی بردن به ماهیت آیین مورد اعتقاد وی دشوار بود. افزون بر این، کتاب دارای این امتیاز بر دیگر داستان‌های شرقی است که از نظر استحکام بنا و اسلوب، گرایش به سادگی دارد و از درازگویی و مبالغه، دو ویژگی که کلاً از نظر خواننده اروپایی نکوهیده است، به دور است. سابق بر این توضیح دادیم که اندیشه‌های فلسفی قابل هضم در آن دوران، اندیشه‌های مطلق و همه‌گیری بود که محدود به ملت یا قوم معینی نبود، و تجربه «حی» در آن جزیره، تمام این شرایط را دربر داشت، زیرا یک تجربه انسانی به تمام معنی به شمار می‌رفت و نیز نباید فراموش کنیم که جو فکری حاکم در پایان قرن هفده، برای پذیرش این اثر آمادگی داشت، چراکه بین مشکلاتی که ابن طفیل در صدد حل آنها بود و معضلاتی که برای آن روزگار پیش آمده بود، پیوند ناگسستنی وجود داشت. لهذا داستان حی‌بن یقظان موفق شد جایگاه شامخی در انگلستان کسب کند، زیرا قرن هفده، شاهد آغاز یک جنبش علمی در انگلستان بود، یعنی در دوره‌ای که،

1. Ockley. op. cit.

روشهای علمی فرانسیس بیکن که تکیه بر ملاحظات دقیق و تجربه و آزمایش مداوم داشت، درخشیدن گرفت، و کتاب ابن طفیل با وجود اینکه پانصد سال پیش از ظهور روش علمی بیکن، نوشته شده بود ولی با نظریه‌های آن مکتب مطابقت داشت.^۱ سرانجام چنان‌گرایش علمی، نخست ظهور دعوت به دین طبیعی،^۲ و دوم نزاع بین هواخواهان این بدعت و طرفداران دین الهی بود و از آنجا که نمونه‌های حسی مادی مبتنی بر تجربه و آزمایش، بر مسائل تجربیدی محض ترجیح داده می‌شد، لذا کتاب حی بن یقظان این امتیاز را بر دیگر کتب و مقالات مشابه داشت که توانست به موضوعی اینچنین پیچیده بپردازد و آن را با قدرتی شگفت‌انگیز و در قالبی داستانی، لذتبخش و متین بررسی کند. اما ابن طفیل این امتیاز را بر دیگران داشت که تجربه‌های خود را «با گامهای آرام و به روشی آسان و متعارف در بحث فلسفی، ادامه می‌داد به نحوی که برای ادراک هر انسانی، روشن باشد، چنانکه گویی خواننده خود را به حالت غفلت و بی‌خبری و بدون تحمل هیچگونه رنجی به جلو می‌راند، و بی‌آنکه نیروی عقلی او را در جستجوی حقیقت پریشان سازد، پیش از پی‌بردن به تمام این مسائل، وی را به پایان سفرش می‌رساند».^۳ بدین علت به «حی» با دید یکی از «مردان طبیعی» یا آنچه که نجیب زادگان بی‌تمدن^۴ می‌نامند یعنی کسانی که برای دفاع از اندیشه دین طبیعی به کار گمارده شده‌اند، نگریسته می‌شد. ولی چیزی که خوانندگان را در همه زمینه‌ها مجذوب کتاب کرد قالبی بود که ابن طفیل آرا و عقاید خویش را در آن ارائه داد و البته تنها آرا و عقاید خود را عرضه نکرد، چه کتاب، عقل خواننده را مخاطب قرار می‌دهد ولی در همان حال او را در عالم خیال به پرواز درمی‌آورد زیرا این اثر، داستان انسان گوشه‌گیری را بازگو می‌کند که شرایط، او را واداشته که از خود مراقبت کند و با امکانات محدود

۱. رک: مدنی صالح «روش علمی در نزد ابن طفیل»، آفاق عربیه، ش ۷، (۱۹۷۶)، ص ۱۱-۱۲.

2. Deism 3. Ashwell, "Epistle Delicatory", p. not numbered. 4. Noble Savages

جزیره، زندگی آرامی برای خود فراهم سازد. این ماجرا به علت گسترش اکتشافات دریایی و افزایش حوادث غرق شدن کشتیها در آن دوران، از موضوع‌های پسندیده و شایع بود. اکنون لازم است به تلاش بسیاری از نویسندگان انگلیسی اشاره کنیم که در خلال قرن هجده، به شیوه‌ی ح‌ی بن یقظان، با اندک تغییرات لازم، برای رضایت خاطر خواننده و رعایت تمایلات او، می‌نوشتند. همچنین باید به این نکته اشاره کنیم که خود داستان هم سرقت ادبی شده است ولی مجال بحث و تحلیل این موضوع در اینجا نیست، لذا به ذکر برخی نمونه‌ها اکتفا خواهیم کرد. در ۱۷۱۹ داستان روبنسون کروزوئه نوشته دانیل دوفو منتشر شد و شهرت زیادی یافت. این داستان بهترین مثال بر تأثیر سازنده و جالب کتاب ابن طفیل بود و موفقیت دوفو ظاهراً، موجب شد تا بسیاری از آرزومندان شهرت یک شبه را به اقتباس یا سرقت (با کمی تصرف یا بهتر بگوییم مسخ)، از داستان ح‌ی بن یقظان و نشر آن به نام خود، تشویق شوند. در سال ۱۷۱۲ یک آگهی که مؤده انتشار کتابی را در فلاینگ پست^۱ می‌داد، زیر این عنوان منتشر شد: داستان شگفت‌انگیز زندگی دن جولیان دوتریزا که به مدت ۴۵ سال در جزیره دورافتاده‌ی مالپا در هند شرقی زندگی کرده است و آهویی از او پرستاری می‌کرد. این داستان از زبان پرتغالی ترجمه شده است و در فاصله سالهای ۱۷۶۱ و ۱۷۶۶ تنها با تغییر نام قهرمان داستان دوباره تجدید چاپ شد و این بار با نام دن انتونیو دوتریزاینو^۲ به بازار آمد. در کتاب، ادعا شده که

1. Flying Post

2. Philip Gove, *The Imaginary voyage in Prose Fiction: A History of its Criticism and a Guide to its Study*, Columbia University studies in English and comparative Literature no. 152, New York 1944;

و نیز نگاه کنید:

Charlotte Morgan, *the Rise of the Novel of Manners: A study of English prose Fiction in Between 1600 and 1740*, Columbia University studies English, New York 1963 .p. 218;

و نیز نگاه کنید: مدنی صالح، «دن انتونیو دوتریزاینو و ح‌ی بن یقظان»، *الاتقلام*، ش ۹ (۱۹۷۴)، ص ۴۵-۵۱.

داستان از زبان پرتقالی نقل شده است ولی هنگامی که آن را می‌خوانیم معلوم می‌شود شخصی که خود را مترجم آن قلمداد کرده سارقی بیش نبوده، بلکه ترجمهٔ اُکلی از کتاب ابن طفیل را با تغییرات ناچیز ارائه داده است. در ۱۷۳۶ نیز اقتباسی از آن کتاب زیر این عنوان ظاهر شد: تاریخ زندگی اتونوس، داستان زندگی جوان نجیب‌زاده‌ای را حکایت می‌کند که به طور اتفاقی از کودکی تنها در جزیرهٔ دورافتاده‌ای رها شد و تا نوزده سالگی منزوی و دور از جامعه بشری زندگی می‌کرد تا اینکه پدرش او را پیدا کرد. همچنین چگونگی زندگی، افکار و دگرگونی شناخت او در طول مدت تنهایی‌اش وصف شده است. در ۱۷۴۵ جان کریبی استاد گیون اقتباس مزبور را مجدداً زیر این عنوان آورد: میزان قدرت و ظرفیت فهم و بینش بشر با در نظر گرفتن واقعه شگفت‌انگیز جوان نجیب‌زاده‌ای که به نحوی اتفاقی در کودکی به جزیره دورافتاده‌ای رها شد و برای مدت نوزده سال ...

البته تمام این مقلدان، اقتباس‌کنندگان و سارقان و دیگران که کم هم نبودند، ارزش کتاب را در نظر خوانندگان انگلیسی درک کرده بودند و در عین حال امیدوار بودند که بخت بارشان باشد و مانند پیشینیان، سود سرشار و شهرت آنی بهره‌شان شود حال آنکه میان اصالت و تقلید، تفاوت بسیار است.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی